

پیشکش به دکتر صلاح‌الدین المنجد*

در کدیولوژی (Codicology) و فهرست‌نگاری (Cataloguing) نسخه‌های خطی، یادکردن اندازه (قطع) کتاب از ضوابط و واجبات است. اکنون مقیاس اندازه جلد یعنی طول و عرض را معمولاً به سانتی متر می‌آورند. ولی قدما برای نشان دادن اندازه کاغذ و نسخه مصطلحاتی داشته‌اند. قراردادی که تا حدودی موجب تمیز میان دو نسخه می‌بوده است. فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی (د. ۹۳۹ق) در شرح حال خواجه محمد پارسا نوشته است:

پس حضرت خواجه روی به‌خواجه عصام‌الدین کرده‌اند و فرموده که در کتابخانه خدمت شما در فلان طاق زیر فلان و فلان کتاب این مُسند که نام بردیم قطعش این و جلدش چنین نهاده است...^۱

تسمیه اصطلاحی برای قطع جلد عادهً به‌متابعت اندازه کاغذی بوده است که کتاب را بر آن می‌نوشته‌اند. بدین معنی که قطع کراسه‌های حاصل از تاخوردن یک ورق (طَبَق)، اگرچه بدون جلد باشد، همان نامی را می‌یافته است که جلد شده باشد. گران بودن کاغذ موجب آن بوده است که چون آن را تا می‌کرده‌اند معمولاً بدون کاستن چیزی از اطرافش بر آن می‌نوشته‌اند. چیزی از آن نمی‌کاسته‌اند، به‌منظور آنکه قطع مخصوصی به‌وجود بیاید. کراسه تابع تا شدن ورق به‌یک، دو، سه یا چهار تا بود. البته ورق‌های ساخت هر سرزمینی و یا هر کارگاهی اندازه‌های متنوع داشته است. قلقشندی (د. ۸۲۱ ق) در صبح الاعشی اطلاعاتی دربارهٔ اندازه ورق‌های مصری و شامی به‌ذراع - که در دیوان و دوائر دولتی قرن نهم هجری

قطع کاغذ و کتاب در متون فارسی و عربی

ایرج افشار*

چکیده: یاد کردن اندازه کتاب از جمله ضوابط نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است. قدما برای نشان دادن اندازه کاغذ و نسخه مصطلحاتی داشته‌اند که وضع آن به پیروی از اندازه کاغذی بوده است که کتاب را بر آن می‌نوشته‌اند. چون قطع یکی از مشخصات شناسایی نسخه و تمیز یک نسخه از نسخه دیگر بوده است، در فرهنگ کتابداری ایرانی در پشت بعضی از نسخه‌ها، ضمن آوردن مشخصات فیزیکی و مادی نسخه، قطع آن را نیز یادداشت می‌کرده‌اند که به آن «عرض» گفته می‌شد. در میان مسلمانان، نام‌گذاری قطع کتاب حداقل از قرن ۴ ق/۱۱ م مرسوم شده و اصطلاحاتی چند در هر یک از زبان‌های عربی، فارسی و ترکی وجود داشته که در برخی متون و مآخذ بر جای مانده است. منابع دست اول برای شناخت قطع کاغذ و کتاب محدود است به متون کهن، عرض‌های مذکور در نسخه‌ها و اطلاعات افواهی.

در این مقاله به معرفی انواع قطع‌ها و مناسبات نام‌گذاری آنها پرداخته می‌شود و فهرستی الفبایی از ۳۵ اصطلاح که برای نام اندازه‌ها در متون و مآخذ قدیم دیده شده ارائه می‌شود، این مصطلحات عبارت‌اند از:

بازوبندی، بزرگ، بغدادی، بغلی، بیاضی، پالتویی، ثلث، ثمن، جانمازی، دوتلثی جیبی، چارکی، چهارمصرعی، حمایلی، خشتی، خُفی، ربع، رحلی، رقیعی، سلطانی، سلیمانی، شامی، صغیر، طالبی، طَلَحی، طوماری، فرعونی، مَثَن، مرتع، معمولی، منصف، منصور، نصف (نصفی)، ورق الطیر، وزیری.

این فهرست نشان می‌دهد که وضع اصطلاحات مربوط به قطع بر پنج مبنای صورت گرفته است:

اول) منسوب به اشخاص و اعلام و جاها، بغدادی، حَمَوی، سلطانی، سلیمانی، شامی، طالبی، طَلَحی، فرعونی، منصور، وزیری.
دوم) منسوب به اشیا: خشتی، جانمازی، رحلی، رقیعی، ورق الطیر.
سوم) منسوب به عددی: ثلث، ثمن، چارکی، چهارمصرعی، دوتلثی، ربع و ربعی، مَثَن، مربع، منصف، نصف.
چهارم) منسوب به جای قرار گرفتن نسخه: بازوبندی، بغلی، پالتویی، جانمازی، جیبی، حمایلی، خُفی.
پنجم) بر مبنای بلندی: صغیر، کبیر (بزرگ)، وسط (میانه، متوسط).

کلید واژه: عرض؛ قطع (اندازه)؛ کاغذ؛ نسخه‌شناسی.

* استاد پیشین دانشگاه تهران.

* ترجمه انگلیسی این مقاله در مجموعه‌ای که به‌افتخار این دانشمند توسط مؤسسه الفرقان لندن (۲۰۰۲م) منتشر شده آمده است.
۱ رشتات عین الحیات، به‌اهتمام علی‌اصغر معینیان (تهران، ۱۳۵۶ [۲۵۳۶])، ۱: ۱۰۷.



کنار بگذاریم ظاهراً پنج کاغذ دیگر در بلاد خراسان و ماوراءالنهر ساخته می‌شده و هر یک منسوب به یکی از فرمانروایان آن ناحیه بوده است:

«طَلْحی»، به طلحة بن طاهر از خاندان آل طاهر که تا سال ۲۱۳ق در خراسان امارت کرد؛
 «نوحی»، به نوح سامانی (اول یا دوم، هر دو در قرن چهارم) که در ماوراءالنهر امارت کرد؛
 «جعفری»، به جعفر برمکی (د. ۱۸۷ق)؛
 «طاهری»، به طاهر از امرای آل طاهر که تا سال ۲۴۸ق امارت کرد؛

«سلیمانی»، به سلیمان بن راشد والی خراسان در زمان هارون الرشید (حک. ۱۷۰-۱۹۳).

باید دانست ابن ندیم هر جا که لازم دانسته است حجم و مقدار کتاب را به خواننده بشناساند آن را به تعداد «ورق» نام برده است. این موارد مخصوصاً در «فن» دوم از «مقالة» چهارم که به شعرا اختصاص دارد بسیار متعدد است. او از کتاب‌هایی یاد کرده است که تا هزار ورق حجم آنها می‌شده است.

اشارات ابن ندیم به ورق در قسمت شعرا درست مشخص نیست ناظر به اندازه ورق است یا کیفیت و جنس کاغذ از حیث مرغوبیت یا مواد آن. ولی از سه عبارت او در بخش‌های دیگر این طور استنباط می‌شود که مراد از طَلْحی و سلیمانی اندازه آن ورق‌هاست، و آن دو کاغذ از حیث اندازه با یکدیگر متفاوت می‌بوده است. در «الفن الثانی من مقالة الرابعة» می‌گوید:

فاذا قلنا: إنَّ شعر فلان عشر ورقات، فانا إنَّما عنينا بالورقة أن تكون سلیمانیة. و مقدار ما فیها عشرون سطرًا، أعنی فی صفحة الورقة.^۶

از همین مطلب ابن ندیم که خواسته است نشان بدهد در هر صفحه از کاغذ نسخه مورد نظر بیست سطر نوشته می‌شد می‌توان به تخمین به اندازه بلندی آن نسخه آگاه شد، به این حساب که اگر هر سطر یک سانتی متر جا بگیرد و سه چهار سانتی متر هم از بالا و پایین صفحه سفید گذاشته شود بلندی چنین ورقی حدود سی سانتی متر می‌بوده است. باز ذیل نام محمد بن عمران مرزبانی گوید:

در مصر و شامات مرسوم می‌بوده - به دست داده است.^۲ در بیاضی از مکاتیب عصر صفوی (قرن یازدهم و دوازدهم هجری) اندازه کاغذهایی که بنابر اهمیت مقام و منصب مخاطبان و گیرندگان فرمان‌ها و نامه‌ها صادر می‌شده به «شبر» و «اصبع» و «ذرع» «گزر» و «گره» آمده است.^۳ چون قطع یکی از مشخصات شناسایی نسخه و تمیز یک نسخه از نسخه دیگر بوده، به همین ملاحظه است که در فرهنگ کتابداری ایرانی پشت بعضی از نسخه‌ها ضمن آوردن مشخصات فیزیکی و مادی نسخه، قطع آن را ضرورتاً یادداشت می‌کرده‌اند. به این عمل «عرض» گفته می‌شد.^۴ به همین ملاحظه است که عارف شهیر صدرالدین قونوی (۶۰۵-۶۷۳) مشخصات مربوط به قطع بعضی از نسخه‌ها را در فهرستی* که از کتاب‌های مستملکه خود تهیه کرده، نوشته است.^۵ بعضی از اصطلاحات قطع نسخه که در ممالک اسلامی رایج بوده با آنچه میان اروپاییان مرسوم می‌بوده مشابهت داشته است. اندازه کتاب در کدیکولوژی قدیم اروپایی از سال ۱۵۸۱م به بعد بر مقدار تا خوردن ورق کاغذ مبتنی بوده است که به آنها in-seize (سی دو صفحه‌ای) و in-octavo (شانزده صفحه‌ای) و in-quarto (هشت صفحه‌ای) و in-folio (نیم‌ورقی = چهار صفحه‌ای) و in-plano (ورقی = دو صفحه‌ای) می‌گفته‌اند.

همان‌طور که اروپاییان در نشان دادن قطع نسخه نظرشان بر آن بوده است که اندازه آن را برای نشان دادن وضع صوری کتاب ضبط کنند، میان مسلمین هم حداقل از قرن ۴/۱۱م اسم‌گذاری قطع کتاب مرسوم شده بوده و اصطلاحاتی چند در هر یک از زبان‌های عربی، فارسی و ترکی وجود داشته است که طرداً للباب در بعضی از متون و مآخذ بر جای مانده است.

در فهرست ابن ندیم (د. ۳۸۵ق) که عزیزترین و قدیمی‌ترین کتاب‌شناسی در تمدن اسلامی است از هفت گونه کاغذ (ورق) یاد شده است: «طَلْحی»، «نوحی»، «فرعونی»، «جعفری»، «طاهری»، «سلیمانی» و «چینی». از آن میان، چون کاغذهای چینی و فرعونی را که اولی ساخت چین و دومی ظاهراً ساخت مصر می‌بوده است

^۲ صبح الاعشی (قاهره، بی تا)، ۶: ۱۹۰-۱۹۳.

^۳ نسخه یگانه آن در کتابخانه مجلس است و به طور نسخه‌برگردان در فرهنگ ایران زمین (۱۳۵۷)، ۲۳: ۱۷۹-۲۳۶ به چاپ رسیده است.

^۴ ایرج افشار، «عرض در نسخه‌های خطی»، معارف، دوره چهاردهم (مرداد - آبان ۱۳۷۶)، ش ۲: ۳۱-۳۳.

^۵ این فهرست به خط او مربوط به حدود سال ۶۶۲ق جزو مجموعه شماره ۲۶۳ کتابخانه ملی ملک (تهران) باقی است. نک: صدرالدین قونوی «فهرست کتابخانه قونوی»، به کوشش ایرج افشار، مجله تحقیقات اسلامی، س ۱۰ (۱۳۷۴)، ش ۱: ۲-۴۷۷-۵۰۲.

^۶ الفهرست، تحقیق م. رضا تجدد (طهران، [مقدمه ۱۳۵۰]، ص ۱۸۱.



در وقفنامه متولیان را مکلف داشته است سالی دو نسخه قرآن مجید به «قطع حال بزرگ بغدادی»^{۱۲} بنویسند. همچنین از کلیه تألیفات او دو نسخه به استنساخ درآورند. وی درین باره نوشته است:

از هر یک بموجبی که شرح داده شد هر سال یک نسخه مکمل بر کاغذی بغایت نیکو و لطیف بقطع حال بزرگ بغدادی بخطی پاک درست بنویسند و آن را با نسخه اصل که در کتبخانه ربع رشیدی نهاده مقابله کنند...^{۱۳}

رشیدالدین دوبار اصطلاح «قطع بزرگ حال بغدادی» و یکبار اصطلاح «قطع حال بغدادی» را در مقدمه تألیف دیگر خود به نام لطایف الحقایق که در برگزیده فهرست جامعی از تألیفات اوست، آورده و آن موارد چنین است:

و شرط کرده که از حاصل موقوفات آن ابواب البرّ هر سال یک نسخه تمام مکمل از مجموعه رشیدیه و دیگر کتب که مصنفات مخدوم - عزّ نصره - است از هر یک بر کاغذ بقطع حال بغدادی لطیف و نیکو بنویسند و بشهری از شهرهای معتبر بلاد اسلام بفرستند...^{۱۴}

پس از آوردن اسامی کتب تألیف خود نوشته است:

از هر یکی بموجبی که شرح داده شد هر سال یک نسخه مکمل بر کاغذی بغایت نیکو و لطیف بقطع حال بزرگ بغدادی بخطی پاک درست بنویسند...^{۱۵} و هر فقیهی که در آنجا معین باشد باید که ازین کتب جهت خود نسخه ای بقطع بزرگ حال بغدادی بنویسد...^{۱۶}

ظاهراً مراد رشیدالدین از «قطع حال» یعنی قطعی که خود وقفنامه ربع رشیدی را بدان اندازه نوشته است. نسخه خطی آن که موجود است ۲۷×۳۶ سانتی متر است. ولی قطع اصلی کمی بزرگتر از قطع فعلی بوده است، زیرا مقداری از لبه اوراق در صحافی بریده شده است.

در اینجا مناسب است دارد گفته شود اصطلاح «قطع حال» در ترجمه تاریخ یمینی به پارسی از ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی (ترجمه شده در ۶۰۳ق)، راجع به تفسیری

الکتاب المستنیر... و عدد اوراقه ستة آلاف ورقة، و هو بخط المرزبانى في ستين مجلداً سليمانياً.^۷ درین جا هم از آوردن قید «سلیمانی» برای هر «مجلد» ظاهراً نظرش به اندازه کاغذ آن جلدها بوده است نه نوع و جنس کاغذ و یا وضع تجلید آن.

در جای دیگر ذیل عنوان ابوالعناهیة می آورد:

والذی رأیت من شعره بالموصل نیف و عشرین جزءاً، انصاف الطلحی، بخط ابن عمّار... و کان ما رأیته یدلّ علی انها من ثلاثین جزءاً.^۸

آوردن کلمه «طلحی» به دنبال «جزء» از باب آن بوده است که طلحی بازگو کننده اندازه کاغذ می بوده نه جنس آن و بدان تعریف خواسته است مقدار ابیات شاعر را مشخص کند.

مصطلحات قطع

برای آنکه بتوان انواع قطع ها و مناسبات نام گذاری آنها را شناخت از مصطلحاتی که برای نام اندازه ها در متون و مآخذ قدیم دیده ام فهرستی الفبایی ترتیب داده ام. البته بعضی از این اصطلاحات برگرفته از اطلاعات صحافان و کتاب شناسان است که سینه به سینه به آنها رسیده است.^۹

۱. بازوبندی: قطع بسیار کوچک. معمولاً برای قرآن بوده است و آن را به بازو می بستند.

۲. بزرگ: در «عرض» های نسخه های خطی مکرر آمده است. معمولاً مقصود قطع هایی است که بلندی نسخه آنها از ۲۵ سانتی متر بیشتر است.

۳. بغدادی: از اواخر قرن دوم هجری که در بغداد کاغذسازی مرسوم شد، بغدادی اطلاق بر نوع و قطع آن گونه کاغذها شد. کراباچک (Karabacek) اندازه ورق بغدادی را ۱۰۹/۹×۷۳/۳ سانتی متر نوشته است.^{۱۰}

رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر (د. ۷۱۸ق) و قلقشندی (د. ۸۲۱ق) از قطع بغدادی یاد کرده اند. رشیدالدین فضل الله همدانی که خود در ربع رشیدی معروف به رشیدیه (تبریز) کارگاه کاغذسازی^{۱۱} ایجاد کرده بود،

۷ همان، ص ۱۴۶.

۸ همان، ص ۱۸۱.

۹ دکتر مهدی بیانی هشت تا ازین گونه مصطلحات را بدون هیچ گونه توضیح تاریخی در کتاب خود نقل و فقط معادل اندازه تقریبی آنها را به سانتی متر ذکر کرده است

نک: کتاب شناسی کتاب های خطی، به کوشش حسین محبوبی اردکانی (تهران، ۱۳۵۳)، ص ۱۴.

۱۰ نک: اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرایی و رسول جعفریان (قم، ۱۳۷۱)، ص ۸۴.

۱۱ وقفنامه ربع رشیدی (چاپ حرفی)، به کوشش ایرج افشار، مجتبی مینوی (تهران، ۱۳۵۰) ص ۲۰۴ و ۲۰۷.

۱۲ همان، ص ۱۳۳.

۱۳ همان، ص ۲۳۸.

۱۴ لطایف الحقایق، به اهتمام غلامرضا طاهر (تهران، ۱۳۵۷)، ۲: ۱۵.

۱۵ همان، ص ۱۶.

۱۶ همان، ص ۱۹.



که به دستور امیر خلف تصنیف شده بود هم دیده می‌شود، به این عبارت:

و این کتاب صد مجلدست در قطع حال که عمری تمام در انتساخ آن مستغرق شود و تحصیل آن جز به سال‌های دراز ممکن نگردد الا به معاونت نساخ و کتبت آن به خطوط مختلف میسر شود.^{۱۷}

قلقشندی در صبح الاعشی اندازه کاغذ (ورق) قطع بغدادی را در دو نوع کامل و ناقص یاد کرده است: «قطع البغدادی الکامل» - «قطع البغدادی الناقص». به گفته او طول یک ورق بغدادی یک ذراع و نیم بوده است.^{۱۸} باید توجه کرد که «حال» در همه این احوال اشاره به اندازه نسخه‌ای است که در دست کاتب نخستین بوده است (البته نه استنساخ شده از روی آن).

۴. بغلی: قطع کوچک است معمولاً برای قرآن. دو شاهد درین مورد دیده‌ام. یکی بیتی است از اوجی کشمیری (د. ۱۰۳۲ ق):

عاشقان را برای حفظ بدن

داغ بر سینه مصحف بغلی است^{۱۹}

دیگر در گنجینه شیخ صفی (صورت عرض کتاب‌های بقعه شیخ صفی در اردبیل) در سال ۱۱۷۲ق که از سه قرآن بغلی یاد شده است.^{۲۰} در صورت عرض آستان قدس رضوی به سال ۱۲۷۲ق قطع «بغلی کوچک» و «بغلی مربع» ذکر شده است.

۵. بیاضی: یادآور قطع و اندازه کتاب نیست. نامی است برای کتاب‌هایی که از جهت عرض دوخته شده است. در اروپا به آن oblong گفته می‌شود. قرآن‌های بیاضی روی پوست ظاهراً قدیم‌ترین نمونه این‌گونه تقطیع است. بیاض را به قطع‌های مختلف از دعاها، شعرها، رساله‌ها می‌نوشته‌اند. این‌گونه جمع‌آوری مواد و مطالب مخصوصاً از دوره صفوی به بعد با همین نام «بیاض» رواج بیشتری یافته بود.

۶. پالتویی: اصطلاحی است مستحدث. از حدود

سی سال پیش به قسمی از کتاب‌های جیبی که طولشان درازتر از قطع جیبی بود، گفته شد. ولی دیده شد در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی برای نسخه‌های خطی استعمال شده است.^{۲۱}

۷. ثلث: ابن طاووس (د. ۶۶۴ق) در سعد السعود از قرآنی به قطع ثلث نام آورده است.^{۲۲} قلقشندی در صبح الاعشی درباره «قطع الثلث» نوشته است:

و المراد به ثلث القطع المنصوری و عرض درجه ثلث ذراع بالذراع المذكور.^{۲۳}

۸. ثمن: ابن طاووس از هفت نسخه به قطع ثمن و یکی کمتر از ثمن نام برده است.^{۲۴} ابن ابی اصیبه (۵۹۵-۶۶۸) در عیون الأنباء ذیل سرگذشت ابن سینا نوشته است: و کتب الشیخ فی قریب من عشرين جزءاً علی الثمن بخطه رؤس المسائل.^{۲۵}

صدرالدین قونوی در فهرست کتابخانه خود از کتاب اشارات ابن سینا «فی مجلد قطع الثمن» ذکر کرده است.^{۲۶} ظاهراً مراد از «اوراق ثمانية» مذکور در کتاب قنیه المنیة لتمیم الغنیة تألیف نجم‌الدین مختار بن محمد زاهدی حنفی (د. ۵۶۸ق) همین قطع ثمن است. این مؤلف گفته است نوشتن قرآن بر اوراق ثمانیه گناه ندارد. قرآن را بر ورق‌های کوچک نباید نوشت.^{۲۷} «مثمّن» که انوری شاعر در بیتی آورده احتمالاً اصطلاح فارسی‌زبانان برای آن است. ذیل «مثمّن» مراجعه شود.

۹. جانمازی: در صورت عرض کتابخانه آستان قدس به سال ۱۲۷۲ق قطع جانمازی مربع و جانمازی وزیری ذکر شده است.^{۲۸}

۱۰. دوثلثی: قطعی بوده است که قلقشندی در شمار قطع‌های قدیم آورده است.^{۲۹} ولی اندازه آن برای من قابل تشخیص نیست.

۱۱. جیبی: از اصطلاحات قرن اخیر برای کتاب‌های قطع کوچک است.

۱۲. چارکی: در گنجینه شیخ صفی یعنی صورت نسخه‌های

۱۷ ترجمه تاریخ یمنی، به اهتمام دکتر جعفر شعار (تهران، ۱۳۵۷)، ص ۲۱۴؛ چاپ علی قویم (تهران، ۱۳۳۴)، ص ۱۵۸.

۱۸ صبح الاعشی، ۶: ۱۹۰.

۲۰ گنجینه شیخ صفی، به اهتمام میر ودود سید بونسی (تبریز، ۱۳۴۸)، ص ۱۳.

۲۱ فهرست (تهران، ۱۳۷۷)، به طور مثال ص ۲۸۳.

۲۲ کلبرگ، ص ۸۳.

۲۳ صبح الاعشی، ۶: ۱۹۱.

۲۴ عیون الانباء (بیروت، ۱۹۵۷)، قسم اول، جزء ثالث، ص ۹.

۲۵ قونوی، ص ۵۰۲.

۲۶ نقل محمدتقی دانش‌پژوه که نسخه کتاب مذکور را در تاشکند دیده است. نسخه مذکور مورخ به سال ۷۲۴ق است (نشریه نسخه‌های خطی، دفتر نهم، ۱۳۵۸، ص ۱۴۶).

۲۷ میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان (قم، ۱۳۷۷)، ۸: ۶۶۴.

۲۸ صبح الاعشی، ۶: ۱۸۹.

اندازه می‌سازند و آن را دفتر خشتی می‌گویند. ظاهراً اصطلاح «مربع» اصطلاحی دیگر برای این قطع بوده است. به مربع مراجعه شود.

۱۶. خُفّی: قطع‌هایی بوده است باریک برای جادادن در موزه (چکمه). اسماعیل جرجانی (د. ۵۳۱ق) نام یکی از تألیفات طبری معروف خود را خُفّیِ علایی گذاشته است. ۳۴

۱۷. ربع: قدیم‌ترین ذکر این اصطلاح در الذخائر و التحف تألیف قاضی الرشید بن الزبیر (سده پنجم) آمده است:

و أن عدة خزائن الكتب أربعون خزنة من جملتها ثمانية عشر الف كتاب في العلوم القديمة. و أن الموجود فيها من جملة الكتب ألفان و أربع مئة ختمه قرآن في ربعات بخطوط منسوبة زائدة الحسن، محلاة بذهب و فضة و غیرهما. ۳۵

ابن طاووس (د. ۶۶۴ق) در تألیفات خود از پنج نسخه به این قطع و از قطع بزرگ‌تر از ربع یاد کرده است. ۳۶ همچنین صدرالدین قونوی در فهرست خود از قرآن «قطع الربع» به خط امام فخرالدین رازی ۳۷ و دوبار دیگر «قطع ربع» و دوبار «مجلدات ربعیه» یاد کرده است. ۳۸ ابن ابی‌اصیبعه «ربع فرعونی» ذکر کرده است (شماره ۲۹ این مقاله دیده شود). اصطلاح «ربع» به صورت «ربعی» هم در منابع آمده است. مانند آنکه شمس‌الدین محمد شهرزوری (د. ۶۸۷ق) در نزهة الأرواح و روضة الافراح ضمن سرگذشت ابن سینا جایی که از تألیف منطق کتاب النجاة یاد می‌کند نوشته است: شیخ پس از دریافت ایرادهای علمای شیراز «پنج جزو ربعی» در جواب آنها نوشت. ۳۹ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (د. ۷۱۸ق) هم اصطلاح «جزو ربعی» را ذکر کرده است. در لطایف الحقایق می‌نویسد:

در دو سه روز، به هر وقت که یک لحظه فرصت یافتی، به کتابت آن مشغول گشتی (یعنی مباحثی که پادشاه در خواه شده بود) و در قرب سه چهار روز قریب بیست جزو ربعی در آن باب بنوشت. ۴۰

در آستانه قم هفده جزو از قرآن به خط ریحانی وقف سال ۱۰۵۲ق هست که در وقفنامه آنها قید «قطع ربعی» شده است. ۴۱

خطی و نفایس بقعه شیخ صفی در اردبیل که در سال ۱۱۷۲ق تنظیم شده است از قرآن چارکی بر پوست آهونام می‌رود. چارکی می‌باید اشاره به قطع و اندازه آن باشد.

۱۳. چهار مصراعی: منحصرأ در مورد نسخه‌هایی گفته می‌شود که کتاب‌های شعری مفصل را در آنها می‌نوشته‌اند. در هر سطر آن اوراق چهار مصراع یعنی دو بیت روبه‌روی هم قرار گرفته است مانند شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی، مثنوی معنوی. دو شاهد قدیمی درین باره هست: یکی در عرض نسخه‌ای از شاهنامه است مورخ به سال ۱۰۰۱ق و به شماره ۱۳۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دیگر این که خوشگو در سفینه خود (تألیف: ۱۱۳۷-۱۱۴۷ق) نوشته است. بیدل دهلوی «کلیات دیوان خود را در یک جلد چهار مصراعی نویسانیده». ۳۰ همین مطلب را در جای دیگر از همان کتاب تکرار کرده است. ۳۱ این اصطلاح را خدابخش خان در فهرست محبوب اللباب (حیدرآباد دکن، ۱۳۱۴ق) متعدد استعمال کرده است، از جمله صفحات ۶۹، ۱۶۳، ۲۰۷، ۲۲۳، ۴۱۵، ۴۲۵. ناگفته نباید گذشت که نسخه‌های شش مصراعی هم وجود دارد ولی ذکری از این اصطلاح ندیده‌ام. ۱۴. حمایلی: از قطع‌های کوچک بوده است که به‌گردن یا شانه می‌آویخته‌اند. معمولاً قرآن و دعا را در این اندازه می‌نوشته‌اند و در پوششی چرمین می‌گذاشته‌اند. قدیم‌ترین اطلاع را در راحة الصدور و آية السرور تألیف محمد بن علی بن سلیمان راوندی به سال ۵۹۹ق دیده‌ام. او نوشته است دائیش زین‌الدین ملک العلماء محمود بن محمد بن علی راوندی، مصحفی حمایلی که ابن‌یوآب و ابن‌مقله از نوشتن هزار یک آن عاجز بودند برای ملک مازندران هدیه برد. ۳۲ دیگر صدرالدین قونوی در فهرست کتاب‌های خود از قرآن حمایلی به خط برادر خود نام برده است. ۳۳ اخیراً بعضی از فهرست‌نگاران «خط حمایلی» را هم مصطلح کرده‌اند.

۱۵. خشتی: مراد قطع‌هایی است که میان عرض و طول آنها اختلاف زیادی نیست و به اندازه خشت معمولی است. اکنون دفترهای مدرسه را بیشتر به این

- | | |
|----|--|
| ۳۰ | سفینه خوشگو، به تصحیح شاه محمد عطا کاکوی (پننه، ۱۹۵۹)، ص ۱۱۲. |
| ۳۲ | راحة الصدور، تصحیح محمد اقبال (لیدن، ۱۹۳۱)، ص ۳۵۷. |
| ۳۴ | حاج خلیفه، کشف الظنون (استانبول، ۱۹۴۱)، ۱: ۷۱۶. |
| ۳۶ | کلبرگ، ص ۸۳. |
| ۳۸ | شماره‌های ۱، ۵، ۹، ۹۱ در مقاله مربوط به آن دیده شود. |
| ۳۹ | نزهة الأرواح، ترجمه فارسی مقصود علی تبریزی، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه و محمد سرور مولائی (تهران، ۱۳۶۵)، ص ۴۵۰. |
| ۴۰ | لطائف الحقایق، ۱: ۴۸. |
| ۴۱ | محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم (قم، ۱۳۵۵)، ص ۶۶ و عکس آن. |



در فهرست سال ۱۲۷۲ق آستان قدس رضوی هم مکرراً آن اصطلاح را می‌بینیم. هنوز هم قطع ربعی در نشر کتاب و تهیه دفتر مصطلح است.

۱۸. رحلی: منسوب به رحل است و رحل قرآن به اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شود. ولی وقتی در مورد اندازه کتاب قطع رحلی گفته می‌شود مقصود اندازه بزرگ (نیم‌ورقی) است (کمتر از سی سانتی متر نیست).

۱۹. رقی: منسوب به رقع است. کاغذهایی که در رقع‌نویسی به کار می‌رفت به اندازه متناسبی بود که روی دست بتوان نگاه داشت. در تداول کنونی اندازه ربعی و رقی همانند شده است.

۲۰. سلطانی: اندازه‌های بزرگ نزدیک به ورق کاغذ را سلطانی می‌گویند. این اصطلاح را در متون قدیم ندیده‌ام. مهدی بیانی آن را مربوط به دوره ایلخانان می‌داند.^{۴۲}

۲۱. سلیمانی: بنابر ذکر ابن ندیم در الفهرست. پیش ازین دیده شد.

۲۲. شامی: در صبح‌الاعشی ذکر آن برای کاغذهای مستعمل در دیوان‌ها به صورت «قطع الشامی‌الکامل» آمده و کم استعمال بوده است.^{۴۳} همچنین صنفی از آن را «القطع الصغیر» یاد کرده و آن اندازه کاغذ برای بستن بر پای کبوتر بوده است.^{۴۴}

۲۳. صغیر: در فارسی «کوچک» می‌گفته‌اند و می‌گویند. به همین مفهوم در هندوستان «خرد» گفته می‌شده است. صدرالدین قونوی چهار بار «صغیر» (ش ۲۱، ۳۶، ۵۰، ۷۴) و یک بار «صغیر طولانی» (ش ۶۷) آورده است. شاید همان که به حقی شناسانده شد.^{۴۵} مؤلف صبح‌الاعشی اندازه کاغذ قطع صغیر را یک چهارم ذراع نوشته است.^{۴۶} برای موارد قطع کوچک به جدول شماره ۱ مراجعه شود.

به همین مفهوم «صغیر»، ابن طاووس در تألیف خود به نام سعدالسعود نسخه‌ای را «مجلدة صغیرة القلب» یاد کرده است.^{۴۷}

۲۴. طالبی: نام این قطع تنها در تألیفات ابن طاووس (سعدالسعود، المضایقة، مهج‌الدعوات) دیده می‌شود و کلبرگ (kohlberg) متذکر آن شده است. کلبرگ چهار جا

آن را دیده و گفته است این اصطلاح را جای دیگر ندیده‌ام.^{۴۸}
۲۵. طلّی: بنابر ذکر ابن ندیم در الفهرست، پیش ازین دیده شد.
۲۶. طوماری: نامی است برای اوراقی که درهم پیچیده می‌شود. ارتباطی به قطع ندارد.

۲۷. فرعونی: دیدیم ابن ندیم یکی از انواع کاغذ را با نام فرعونی ذکر می‌کند. ظاهراً نوع و محل ساخت کاغذ مورد نظرش بوده است. در عیون الأنباء فی طبقات الاطباء تألیف ابن ابی اصیبعه هم آمده است. ذیل «مربع» دیده شود.

۲۸. مثن: انوری ایبوردی (د. ظ ۵۸۵ ق)، این اصطلاح را در بیتی آورده. ظاهراً مراد قطع ثمن است که پیش ازین دیدیم. بیت انوری این است:

کتابکی است مثن به خط من خادم

چو اشک و چهره من جلدش از درون و برون^{۴۹}

۲۹. مربع: همان قطع «ربع» و «ربعی» است و در عبارت «اوراق الربع الفرعونی» نوشته ابن ابی اصیبعه در عیون الأنباء مذکور است. و همان است که شهرزوری (د. ۶۸۷ق) مؤلف نزهة الارواح و روضة الافراح به صورت «مربعة» آورده است. قاعده هر دو از یک مأخذ مشترک نقل کرده‌اند. ابن ابی اصیبعه نوشته است:

وأمرنی الشیخ باحضار البیاض و قطع اجزاء منه. فشدت خمسة أجزاء كل واحد منها عشرة اوراق بالربع الفرعونی...^{۵۰}

در نزهة الارواح همان مطلب بدین کلمات آمده است: «و کتب خمسة اجزاء مربعة كل جزء عشرة اوراق».^{۵۱} در دیباچه سفینه بهرام میرزا نوشته دوست محمد هروی (گواشانی) به سال ۹۵۲ق، ضمن آوردن نام استاد شمس‌الدین که در عهد سلطان اویس (د. ۷۷۶ ق) می‌زیست و مجالس تصویر برای شاهنامه خط میرعلی ساخته بود، قطع آن شاهنامه «مربع» ذکر شده است نه «ربع».^{۵۲}

در فهرست آستان قدس تألیف ۱۲۷۲ق مکرراً این اصطلاح دیده می‌شود: مربع بغلی، مربع خشتی، مربع بزرگ، مربع طولانی، مربع کوچک، مربع ورقی.

۳۰. معمولی: صدرالدین قونوی یک‌بار در فهرست متملکات خود از مجموعه‌ای به قطع معمولی یاد کرده است.^{۵۳}

۴۳ صبح‌الاعشی، ۶: ۱۹۱.

۴۵ قونوی، ص ۵۰۲.

۴۷ کلبرگ، ص ۸۳.

۴۹ دیوان انوری، چاپ سعید نفیسی (تهران، ۱۳۳۷)، ص ۴۴۳.

۴۲ کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی، ص ۱۴.

۴۴ همان، ۶: ۱۹۲.

۴۶ صبح‌الاعشی، ۶: ۱۹۱.

۴۸ همانجا.

۵۰ عیون الأنباء، ص ۱۲.

۵۱ نزهة الارواح و روضة الارواح، تصحیح خورشید احمد (حیدرآباد، ۱۹۷۶)، ۲: ۱۱۴.

۵۲ در هر سه چاپ عبدالله جغتای، لاهور، ۱۹۶۹؛ و فکری سلجوقی، کابل، ۱۳۴۹؛ و نجیب مایل هروی، مشهد، ۱۳۷۲.

۵۳ قونوی، ص ۵۰۲.

کاغذ قطع منصوری در بلاد اسلامی مشهور بوده^{۵۹} و قلقشندی آن را یاد کرده و نوشته است: «القطع المعروف بالمنصوری و عَرْضُه تقدیر ربع ذراع». او به قطع های نصف و ثلث آن هم اشاره کرده است.^{۶۰}

۳۳. نصف / نصفی: اصطلاح دیگری است مرادف با منصف. مراد قطعی است حاصل از دو بخش شدن ورق اصلی یعنی تا شدن آن، موارد ذیل در متون دیده شد و به ترتیب قدمت متن آورده می شود:

– هلال صابی (د. ۴۴۸ ق) در رسوم دارالخلافة کاغذ نصفی را از قطع هایی دانسته است که وزیر به خلیفه بر آن گونه کاغذ می بایست مطلب خود را بنویسد. این است نص عبارت او:

فاما ما یجری من الخلیفة مجری التوقيع، و من وزیره المقیم بحضرتہ مجری المطالعة فالمستحب فیہ الکاغذ النصفی.^{۶۱}

– در تاریخ بیهقی تألیف ابن فندُق در ۵۶۳ ق آمده است: و آن را کتاب لباب الانساب و القاب الاعقاب نام نهاده ام دو مجلد نصفی.^{۶۲}

– ابن طاووس از نسخه هایی که بر کاغذهای «نصف الورقة» و «نصف الورقة الکبيرة» و «نصف الثمن» بوده یاد کرده است.^{۶۳}
– صدرالدین قونوی هم اصطلاح «نصف الثمن» را آورده است.^{۶۴}

– قلقشندی (د. ۸۲۱ ق) در صبح الاعشی «قطع نصف الحموی» و «نصف المنصوری» را ذکر می کند.^{۶۵} حموی نسبت به حماة از بلاد شامات است. باز اینجا مراد از منصوری قطع است نه نسبت و جنس.

۳۴. ورق الطیر: کاغذ به قطع کوچک که به پای کبوتر می بسته اند.^{۶۶}

۳۵. وزیری: اصطلاحی است که به مانند «سلطانی» قدمت دارد، ولی سبب تسمیه آن ناروشن است. یعنی مشخص نیست که منسوب به کدام وزیر است. قدیم ترین جا که ذکر آن را دیده ام در دو عرض نسخه است:

۱. نسخة منهج الصلاح، تألیف علامة حلّی، کتابت قرن

۳۱. منصف: مراد از این اصطلاح و مواردی که به صورت «نصف» و «نصفی» و در فارسی به صورت «نیم ورقی» آمده است ورقی است که دو «تا» خورده و به اندازه حدود رحلی باشد. شواهدی که داریم اینهاست: ابن فندُق بیهقی در تاریخ بیهقی (تألیف: ۵۶۳ ق) درباره تاریخ بیهقی گوید: «همانا سی مجلد منصف زیادت باشد».^{۵۴} همچنین راجع به مقدار مدایح شمس الرؤسا ابوالحسن علی آورده است: «مدایح او تازی و پارسی مجلّدی منصف ضخیم است.»^{۵۵} یوسف اهل جامی در فرائد غیاثی (تألیف: ۸۳۷ ق) ضمن نامه ای که به غیاث الدین خواجه پیر احمد وزیر می نویسد درباره اهمیت کتاب خود آورده است:

چنانچه دویست جزو منصف سمرقندی را به همان قطع و مسطر که جلد کرده به نظر انور رسیده... سی جزو منصف سمرقندی مکتوباً مصححاً مُجَدُول شده و هنوز باب اول به اتمام نرسیده...^{۵۶}

در ترجمه فارسی مجالس النفاثس امیرعلیشیر نوایی (تألیف: ۸۹۶ ق به ترکی) موسوم به لطائف نامه از سلطان محمد فخری هروی ذیل احوال حسین کاشفی بیهقی آمده است: و از مصنفاتش یکی جواهر التفسیر است که سورة البقره را یک مجلد نوشته که به قطع منصف صد جزو نزدیک است.^{۵۷}

نیز اصطلاح «نصفی» دیده شود.

۳۲. منصوری: عبدالکریم سمعانی (د. ۵۶۲ ق) در الانساب ذیل نسبت «کاغذی» نوشته است کاغذ منصوری منسوب به ابوالفضل منصور بن نصر بن عبدالرحیم الکاغذی است.^{۵۸} حدود صد سال پیش از آن عنصرالمعالی کیکاوس در قابوسنامه (تألیف: ۴۷۵ ق) در حکایتی مربوط به سلطان محمود غزنوی می نویسد رسول خلیفه بغداد به خدمت آمد و «نامه ای قریب یک دسته کاغذ قطع منصوری نوشته و پیچیده و مهر کرده پیش سلطان محمود نهاد». این عبارت مصرّح است بر اینکه مراد از منصوری قطع کاغذ بوده است نه نسبتی برای نوع آن.

۵۴ تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار (تهران، ۱۳۱۷)، ص ۱۷۵.
۵۶ فرائد غیاثی، تصحیح حشمت مؤید (تهران، ۱۳۵۸)، ۲: ۱۵۰-۱۵۱.
۵۸ الانساب (حیدرآباد، ۱۹۸۰)، ۱۱: ۲۳-۲۴.
۵۹ کورکیس عواد، «ساخت کاغذ در ممالک اسلامی»، ترجمه عباس اقبال، مجله یادگار، ج ۴ (۱۳۲۶)، ش ۹-۱۰: ۱۱۱.
۶۰ صبح الاعشی، ۶: ۱۹۱.
۶۱ رسوم دارالخلافة، تصحیح میخائیل عواد (بیروت، ۱۹۸۶)، ص ۱۲۷؛ ترجمه فارسی محمدرضا شفیعی کدکنی (تهران، ۱۳۴۶)، ص ۱۰۳.
۶۲ تاریخ بیهقی، ص ۵۴.
۶۳ کلبرگ، ص ۸۳.
۶۴ قونوی، ص ۵۰۲.
۶۵ همان، ۲۳: ۱۹۲-۱۹۳.
۵۵ همان، ص ۲۱۷.
۵۷ مجالس النفاثس، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت (تهران، ۱۳۲۳)، ص ۹۳.



یازدهم با عرض سال ۴۵ جلوس (همان قرن) متعلق به آستانه قم.^{۶۷}
 ۲. نسخه بهارستان، نگارش عبدالرحمان جامی، کتابت قرن یازدهم با عرض سنه ۱۵ جلوس (همان قرن) متعلق به مجموعه جان رایلندز در منچستر. این اصطلاح امروزه به کثرت استعمال و رواج دارد. بلندی آن ۲۴ و عرض آن ۱۸ سانتی متر است.

خاتمه

این فهرست نشان می دهد که وضع اصطلاحات مربوط به قطع بر پنج مبناست:
 اول، منسوب به اشخاص و اعلام و جاها: بغدادی، حَمَوِی (منسوب به حماة)، سلطانی، سلیمانی، شامی، طالبی، طَلَحِی، فرعونى، منصورى، وزیرى.
 دوم، منسوب به اشیا: خشتی، جانمازی، رحلی، رقی، ورق الطیر.
 سوم، منسوب به عددی: ثلث، ثمن، چارکی، چهارمصرعی، دو ثلثی، ربع و ربعی، مثنی، مربع، منصف، نصف.
 چهارم، منسوب به جای قرار گرفتن نسخه: بازوبندی، بغلی، پالتویی، جانمازی، جیبی، حمایلی، خفی.
 پنجم، بر مبنای بلندی: صغیر (کوچک = خرد)، کبیر (بزرگ = کلان)، وسط (میانه = متوسط).
 منابع دست اول ما در شناخت قطع ورق محدودست به:
 ۱. متون کهن، ۲. عرض های مذکور در نسخه ها، ۳. اطلاعات افواهی.

تعجب نباید کرد از اینکه در فهرست های شیخ طوسی، اشبیلی، منتجب الدین، المجدوع، کشف الظنون ذکر قطع نیست (تا حدی که در آنها تجسس کرده ام). طبعاً به ملاحظه این است که اندازه برای نشان دادن نسخه است نه کتاب (= نص، Text). فهرست های مذکور همه از سنخ کتاب شناسی ها (bibliography) است نه فهرست های نسخه شناسی (catalogue).

* * *

پیوست ۱

دو نکته درباره ورق های قطع بزرگ:

۱. رشیدالدین فضل الله همدانی در مقدمه لطایف الحقایق درباره ورق های بزرگ برای ترسیم نقشه که شش برابر ورق های معمولی معتاد وقت می بود و ظاهراً آنها را در کارگاه کاغذسازی رشیدیه در تبریز می ساخته اند می نویسد:

و چون خواسته که صور اقالیم را بر قاعده حکما ضبط کرده آید و بر وجهی مضبوط و راست کند که آسان تر بفهم رسد و روشن تر باشد و مواضعی که هر کس تمام آن را ضبط نکرده در ضبط آورد و ضرورت دید که اوراق آن بزرگ تر باشد تا عرض مذکور بهتر و آسان تر حاصل شود و صورت ولایات نیز بموجبی که هر کس مشاهده کرده بر وجهی که واقع باشد تفحص نموده طرح آن بر اوراق بزرگ بکشید تا مرتب باشد و هرگاه که کسی خواهد که احوال آن بداند بعضی از احوال آن از آنجا معلوم شود، بدان سبب اوراق کاغذ بزرگ ساخته که هر یک بمقدار شش طبق^{۶۸} کاغذ باشد و آن صور بر آن کشیده و چون کاغذی چنان قطع بزرگ دست داد خواسته که تمامت تصانیف او جمع کرده در یک مجلد کتاب نویسد تا همه به هم جمع گشته یادگار بماند و جهت آنکه تا اقوام عرب را نیز از آن بهره باشد مجموع آن را تعریب کرده و به عربی نسخه های مفرد نوشته و در این مجلد بزرگ نیز هر یک از آنکه به پارسی نوشته مباحث آن به عربی نوشته تا همه را از آن فایده بود و آن موسوم است جامع التصانیف رشیدی...^{۶۹}

۲. بدائونی در منتخب التواریخ (تاریخ بدائونی) تألیف سال ۱۰۰۴ق آورده و همان مطلب را کشن چند اخلاص در تذکره همیشه بهار تألیف سال ۱۱۳۶ق نقل کرده است و آن درباره نسخه ای است از قصه امیر حمزه که در کتابخانه اکبر پادشاه در یازده جلد نوشته شده و میر سید علی جدایی تبریزی مصور مجالس آن را کشیده بود. هر یک از مجلدات مذکور برابر صندوقی و هر ورقی از آنها به طول یک گز (ذرع) بوده است. ظاهراً این اندازه بلندترین کاغذی بوده است که در آن روزگار می توانسته اند بسازند.

^{۶۷} فهرست نسخ خطی کتابخانه مقدسه قم، ص ۱۷۷ و عکس آن.

^{۶۸} «طبق» اصطلاحی است برای هر ورق کاغذ.

^{۶۹} رشیدالدین فضل الله، لطایف الحقایق، ص ۳.

■ پیوست ۲: از روی جدولی که به طور نمونه از ۲۶ نسخه عرض دار بر اساس طول نسخه‌ها گردآوری کرده‌ام این استنباط به دست می‌آید که کتابداران ایرانی نسخه‌های به طول ۳۰ تا ۳۶ سانتی متر را قطع بزرگ می‌دانسته‌اند و ۳۰ و ۲۰ سانتی متر (۱۹ سانتی متر) را قطع وسط «متوسط» و از ۱۵ سانتی متر به پایین تر را قطع کوچک یاد می‌کرده‌اند. اما در همین جدول سه مورد دیده می‌شود که نویسندگان «عرض» دچار اختلال یا اشتباه شده‌اند (ش ۷ و ۱۶ و ۱۸). نک: جدول ۱:

قطع نسخه‌های خطی بر اساس یادداشت «عرض»

شماره	اندازه جلد به سانتی متر در فهرست	اندازه جلد	اسم کتاب	محل نگاه داری و شماره	سنه عرض	نوع کاغذ
۱	۳۶×۲۴	بزرگ	حبيب السیر	سنا (۷۵۸۷)	۱۰۹۰ق	سمرقندی
۲	۳۳/۵×۳۳/۵	چهار مصرعی	شاهنامه	مرکزی (۱۳۳۹)	سده ۱۱ق	دولت آبادی
۳	۳۴×۲۳	بزرگ	تفسیر	مرکزی (۴۲۱۱)	۱۱۳۳ق	اکلیری
۴	۳۳×۲۲/۵	بزرگ	روضه الصفا	مرکزی (۸۱۳۲)	۱۱۰۵ق	کشمیری
۵	۳۰×۲۴	بزرگ	الحرز الیمانی	آستانه قم (۱۶۵)	۱۱۰۸ق	عادلشاهی
۶	۳۰×۱۹/۵	بزرگ	مراهص العلویه	ملک (۴۸۰۷)	۱۱۰۵ق	دولت آبادی
۷	۲۹/۵×۱۸/۶	بزرگ	منشآت	ملک (۳۹۰۸)	۱۱۰۵ق	دولت آبادی
۸	۲۸/۷×۱۸	وسط	فتوحات اسمعیل	ملک (۴۷۶۹)	۱۱۳۳ق	سمرقندی
۹	۲۸×۱۸	بزرگ	کامل التعبير	مرکزی (۷۷۹۴)	۱۱۰۵ق	کشمیری
۱۰	۲۵/۹×۱۵/۶	بزرگ	دیوان عرفی	ملک (۴۶۷۸)	۱۱۰۵ق	کشمیری
۱۱	۲۵/۵×۱۷	وسط	دیوان فیضی	ملک (۴۷۳۷)	۱۰۶۴ق	سمرقندی
۱۲	۲۵/۴×۱۵/۲	میانه	کلیات قانون	ملک (۴۴۷۵)	سده ۱۱ق	-
۱۳	۲۴/۵×۱۷/۲	وسط	خمسة نوایی	ملک (۴۶۹۲)	۱۱۰۵ق	سمرقندی
۱۴	۲۴/۵×۱۴/۸	وسط	تاریخ الحکما قفطی	ملک (۳۸۹۵)	۱۱۱۱ق	سمرقندی
۱۵	۲۴/۵×۱۳/۵	وسط	نوادیر الاشراف	مرکزی (۲۴۶۲)	۱۱۱۱ق	دولت آبادی
۱۶	۲۴×۱۷	وسط	نفحة الروح	مرکزی (۲۳۹۳)	-	دولت آبادی
۱۷	۲۴×۱۶	بزرگ	حاشیة شفا (صدرا)	مرکزی (۳۳۴۸)	سده ۱۲ق	الوان
۱۸	۲۳×۱۳	وسط	دیوان شاپور	سنا (۱۴۹۸۰)	۱۱۰۵ق	دولت آبادی
۱۹	۲۱×۱۲	کوچک	دیوان واعظ	مرکزی (۸۸۰۶)	۱۱۰۵ق	دولت آبادی
۲۰	۲۰×۱۳	وسط	ورقه و گلشاه	مرکزی (۳۲۲۱)	سده ۱۲ق	استانبولی
۲۱	۱۹/۸×۱۳	متوسط القطع	مجموعه	ملک (۲۸۲۲)	سده ۱۲ق	-
۲۲	۱۹×۱۲/۵	وسط	شرح مبادی الاصول	مرکزی (۳۰۷۰)	۱۱۰۷ق	کشمیری
۲۳	۱۹×۱۲/۴	وسط	بیان بدیع	ملک (۱۶۸۵)	۱۱۰۵ق	سمرقندی
۲۴	۱۵×۹	کوچک	دوازده امام	مرکزی (۴۵۹۴)	۱۱۰۷ق	سمرقندی
۲۵	۱۴×۱۱	کوچک	عنوان الشرف	مرکزی (۹۲۵۷)	۱۱۱۴ق	اشلقی
۲۶	۱۳/۶×۸	کوچک	نور المشرقین	ملک (۵۱۵۳)	۱۱۰۵ق	اکلیری

جدول ۱

■ پیوست ۳: در فهرست عرض نسخه‌های آستانه قدس رضوی (مشهد) که به سال ۱۲۷۲ق/ (۱۸۵۵م)، زیر نظر عضدالملک نایب التولیه، تنظیم شده است شمار اصطلاحات مربوط به قطع زیادتر و احتمالاً موارد احتمال و تخمین و مناسبت نظری در آنها بیشتر است. به طور مثال اصطلاحات بغلی (سه نوع)، جانمازی (سه نوع)، رحلی (نُه نوع)، مربع (هفت نوع)، ورقی (چهار نوع) دیده می‌شود، نک: جدول ۲:

۱. بغلی	۲. جانمازی	۳. رحلی	۴. مربع	۵. ورقی
- بغلی کوچک	- جانمازی مربع	- رحلی بزرگ و زبری	- مربع بزرگ	- ورقی بزرگ
- بغلی مربع	- جانمازی مربع	- رحلی بسیار بزرگ	- مربع خشتی	- ورقی بزرگ
	- جانمازی مربع	- رحلی مربع	- مربع طولانی	- ورقی وزیر
	- جانمازی وزیر	- رحلی ورقی	- مربع طولانی وسط	- ورقی وزیر
		- رحلی وزیر	- مربع کوچک	- ورقی کوچک
		- رحلی وسط	- مربع ورقی	
		- رحلی وسط و زبری		
		- رحلی ورقی مربع		

جدول ۲



بسم الله الرحمن الرحيم فهرست الكتب مستفاد من

ختمه كنهه خط
 الامام محمد باقر عجل الله
 صلواته عليه في محله

حده كنهه خط
 كتاب الاحوال في محله
 كتاب الاحكام في محله

تفسير العرائس للشيخ
 ابي الحكم ليرجان
 رحمه الله عليه في محله
 كتاب الغرر
 لله في محله

تفسير العرائس للشيخ
 ابي الحكم ليرجان
 رحمه الله عليه في محله
 كتاب الاحكام في محله

طه الاصول في محله
 الوسيلة في محله
 عشر محلات في محله

عربك لغز
 لغز يركي
 في محله

مشيخا حاشي للبريد
 الادب في محله
 سهل على استاد في محله
 في محله

المصوبات
 حاشيها مشيخه
 في محله

مجموع احكام ائمة
 رحمه الله عليه في محله
 الاسماء على اصناف
 كتاب العبادات والادب
 الاضحية

مجموع الاحكام
 والاسماء في محله
 عمارة على لسان
 رحمه الله عليه في محله
 مجمع احكام ائمة
 رحمه الله عليه في محله
 اسرار العالم
 في محله
 كتاب علم السواد في محله

كتاب مناهج
 رحمه الله عليه في محله

كتاب مناهج
 رحمه الله عليه في محله